

نگاه هفته

نشست اوپکی ها و غیراوپکی ها دروین



سعیده شفیعی
پژوهشگر اقتصادی

● در ابتدای هفته، هر سه شاخص مهم در بازار نفت متأثر از تصمیم اوپک مبنی بر فریز تولید، همچنان در مرز بیش از ۵۱ دلار در نوسان بودند. در میانه هفته، در پی انتشار اخباری مبنی بر همراهی نکردن عراق با تصمیم اوپک، افزایش دکل‌های فعال آمریکا و رشد تولید نفت نیجریه، قیمت‌ها با کاهش مواجه شدند و تا پایان هفته این روند کاهشی ادامه یافت؛ به‌طوری‌که شاخص نفت آمریکا در پایان هفته به زیر ۵۰ دلار در هر بشکه رسید و شاخص برنت هم در روز چهارشنبه سطح زیر ۵۰ دلار را تجربه کرد.

در روز جمعه نشست اعضای اوپک در وین برگزار شد و قرار است امروز تولیدکنندگان غیراوپک نیز به آن بپیوندند تا درخصوص وضعیت بازار و سطح کاهش تولید تصمیم‌گیری کنند.

۳ شاخص اصلی قیمت نفت

قیمت نفت «برنت دریای شمال» (Brent) در پایان روز پنجشنبه بیست‌وهفتم اکتبر، ۵۰دلارو ۴۷ سنت معامله شد که نسبت به پایان هفته قبل، ۹۱ سنت کاهش یافته است. شاخص «نفت وست‌تگزاس اینترمیت» (WTI) نیز در همین روز ۴۹دلارو ۲۲ سنت معامله شد که نسبت به پایان هفته قبل، ۷۱ سنت افت نشان می‌دهد.

همچنین بنا بر گزارش دبیرخانه اوپک، قیمت سبد نفتی ایس سازمان (OPEC Reference Basket Price) - که متشکل از میانگین قیمت نفت ۱۲ کشور عضو این سازمان است- در پایان روز پنجشنبه بیست‌وهفتم اکتبر به ۴۷دلارو ۲۳ سنت رسید که نسبت به روز مشابه هفته گذشته، یک‌دلارو ۲۸ سنت پایین‌تر است.

نشست اوپک و غیراوپک

کشورهای عضو اوپک روز گذشته در وین یک نشست نفتی در راستای اجرای توافق کاهش تولید برگزار کردند. به گزارش خبرگزاری اسپوتنیک به نقل از فارس، قرار است ۱۳ کشور تولیدکننده غیروپک نیز امروز به این اجلاس بپیوندند.

برخی منابع آگاه خبر داده‌اند قرار است کاهش تولید چهاردرصدی عربستان و هم‌پیمانانش در این جلسه بررسی شود. البته لازم به ذکر است در نشست رسمی اوپک سی‌ام نوامبر (نهم آذر) میزان کاهش تولید هر کشور عضو قطعی خواهد شد و نشست امروز تنها برای هماهنگی میان تمامی تولیدکنندگان اوپک و غیرواپک است. همچنین نماینده روسیه در اوپک اعلام کرد احتمال کاهش تولید نفت این کشور برای ایجاد ثبات در بازار وجود دارد.

آذربایجان نیز از افزایش ندادن تولید نفت خود در راستای همراهی با تصمیم اوپک خبر داد.

همکاری عربستان و روسیه در بازار نفت گزارش‌ها حاکی از آن است که مقامات نفتی عربستان و روسیه به یک توافق اولیه درخصوص کاهش تولید نفت رسیده‌اند. به گزارش العربیه به نقل از فارس، وزرای انرژی دو کشور در یک کنفرانس خبری بر لزوم همکاری تولیدکنندگان در جهت ثبات بازار نفت تأکید کرده‌اند. این دو تولیدکننده عمده نفت جهان بر این باورند که با توجه به بهبود عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضا، دوران نفت ارزان به پایان رسیده است. اگرچه به نظر می‌رسد این باور چندان در واقعیت نمود عینی نداشته باشد، اما باید منتظر نتیجه نشست امروز در وین و تبعات آن بر بازار ماند.

تمایل نداشتن عراق به کاهش تولید

درحالی‌که به نظر می‌رسد دو تولیدکننده مهم نفت (روسیه و عربستان) بر سر کاهش تولید به توافق رسیده‌اند، اما خبرها حکایت از ناسازگاری عراق در این میان دارد. مدیر بخش بازاریابی شرکت ملی نفت عراق روز یکشنبه اعلام کرد این کشور تمایلی به همراهی با اوپک در جهت کاهش تولید ندارد. به نظر می‌رسد مشکلات داخلی و امنیتی در کنار بازگشت ایران (به‌عنوان مهم‌ترین رقیب) به بازارهای بین‌المللی سبب شده است تا عراق ریسک کاهش تولید نفت خود را نپذیرد.

این کشور هم‌اکنون با تولید چهارمیلیون و ۷۷۴ هزار بشکه دومین تولیدکننده نفت اوپک پس از عربستان شناخته می‌شود.

قیمت گاز طبیعی

به گزارش اداره اطلاعات انرژی دولت آمریکا (EIA)، شاخص اسپات هنری هاب (Henry Hub) به‌عنوان شاخصی برای قیمت فروش لحظه‌ای گاز طبیعی در آمریکا در هفته منتهی به بیست‌وهفتم اکتبر، دودلارو ۷۸ سنت به ازای هر میلیون بی‌تی‌یو یا واحد گرمایی انگلیسی (MMBtu) مبادله شد که نسبت به هفته گذشته، ۳۳ سنت افت نشان می‌دهد.

کاهش قیمت‌های نفت که به طور مستقیم بر قیمت گاز طبیعی اثر دارد، دلیل اصلی این افت قیمت عنوان شده است.

اقتصاد

انتقاد حسنتاش از عدم پیگیری برخی کارشنکی‌ها در توسعه میادین مشترک

کجا دنبال رد پا می گردید؟

در چند ماه گذشته، چندمناقصه که برخی شرکت‌های توانمند داخلی در آن برنده شدند، یکطرفه باطل شد



عبدالامیر عظیمی، وزیر اقتصاد

سیاسی بهتر برملا خواهد شد. اگر دقت کرده باشید، از زمان روی کارآمدن دولت جدید با فاصله اندکی مجدداً بحث از قراردادهای نفتی به‌عنوان یکی از محورهای اصلی زدوخوردهای جناحی در کشورمان مطرح شد. مثل همیشه طیف مخالفان و موافقان چشم‌پسته پیدا شدند. مخالفان اظهار دلواپسی می‌کردند و موافقان هم می‌گفتند اگر شما واقعا دلواپس هستید در دوره دولت قبلی که کشور با فسادها و سوءتدبیرها مواجه بود، این حس دلواپسی فعال نبود. به قاعده منطق علمی و ادب اسلامی، این طرز برخورد را درست نمی‌دانیم. ما فکر می‌کنیم حتی اگر کسانی سهل‌انگاری‌ها و کوتاهی‌هایی در دوره قبلی کرده باشند، دلیل نمی‌شود اگر اکنون حرف حسایی می‌زنند، حرفشان شنیده گرفته شود. به‌همین‌دلیل هم برداشتمان این است که اگر نظام کارشناسی و جامعه دانشگاهی این برخورد فعال را نداشته باشند، کمک می‌کنند منافع ملی قربانی زدوخوردهای جناحی نشود. درباره قراردادهای نفتی واقعیتی وجود دارد که وزارت نفت در دوره قبل از دولت قبلی، ذیل عنوان قراردادهای بیع متقابل، سهل‌انگاری‌ها و خطاهای بسیار بزرگی صورت داده بود. در همان زمان نامای منتشر کردیم که اعضای بیش از صد کارشناس فرارشته‌ای علاقه‌مند به توسعه را پای خودش داشت و با کمال تأسف همه پیش‌بینی‌هایی که در بیانیه صورت گرفته بود، در دوره قبلی مسئولیت مهندس زنگنه در کادر قراردادهای بیع متقابل صورت گرفته بود، محقق شد.

بنابراین به طور طبیعی به اعتبار آن تجربه تاریخی و به اعتبار ضریب بالای سرنوشت‌سازی قراردادهای نفتی، به نظرمาน باید به قراردادهای نفتی به مثابه یک مسئله ملی توجه شود و هر قدر حضور و نقش فعالیت‌های کارشناسی و دانشگاهی بالاتر رود زمانه بیشتر به روی برخوردهای غیرمتقابلانه در این زمینه بسته می‌شود. در زمانی که قراردادهای بیع متقابل به شکل سهل‌انگارانه و پی‌درپی امضا می‌شد ادعا این بود که تمرکز روی میادین مشترک خواهد بود. درحالی‌که آنچه عملاً اتفاق افتاد همان‌طور که کارشناسان پیش‌بینی کرده بودند، این بود که سهم میادین مشترک در قراردادهای غیرمتقابل نزدیک به صفر بود. وقتی این سابقه وجود دارد این حساسیت باید وجود داشته باشد چون اکنون هم دوباره برای بستن باب گفت‌وگو ادعا می‌شود که در حال درست‌دادن زمان هستیم. بحث ما این است که همه این هزینه‌ها را در ۱۰ سال گذشته پرداخت کرده‌ایم بنابراین به جای اینکه بپهوده نوعی اضطراب در جامعه راه بیندازیم، بهتر است با خرد کارشناسی و با استفاده از حداکثر ذخیره دانایی جامعه قراردادهای را ارزیابی کنیم. مسئله بعدی این است که تجربه بسته‌شدن قراردادهای غیرشفاف در همه زمینه‌ها برای کشور ما با هزینه‌های بزرگ همراه بوده است. در صنعت خودروسازی دو گزارش تحقیق و تفحص در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۳ به وسیله مجلس شورای

کردیم در این جلسه آغازی برای واکاوی آنچه درباره قراردادهای خارجی مطرح می‌شود داشته باشیم. به‌صراحت می‌گویم این قراردادها منحصر به حیطه نفت و خودرو نیست. درباره بقیه قراردادهایی که در حیطه‌های دیگر منعقد می‌شود باید حواسمان جمع باشد و از ذخیره دانایی تاریخی‌ای که داریم، استفاده کنیم.

دولت راه را بر شبهه‌ناکی ببندد

دولت محترم به جای برخورد انفعالی و همچنان سیاست‌زده مشابه بخش بزرگی از منتقدانش از طریق شفاف‌سازی و مشارکت نظام کارشناسی کشور راه را بر شبهه‌ناکی ببندد. تجربه تاریخی به ما می‌گوید همواره نفع ملی در قراردادهایی که از حد نصاب شفافیت برخوردار بوده‌اند بیشتر بوده. یکی از نکته‌های بنیادی دیگر این است که در جمهوری اسلامی، دولت‌ها بیشترین سرمایه‌گذاری را در تربیت نیروی انسانی داشته‌اند و با کمال تأسف شواهد داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد به‌طرز غیرمتعارفی همچنان با خروج مغزها از کشورمان روبه‌رو هستیم. به نظر، اگر درصدی از حساسیت و دلبستگی‌ای که به جذب سرمایه خارجی وجود دارد روی ریشه‌یابی این مسئله گذاشته شود و بر ماندن کارشناسان در کشور سرمایه‌گذاری کنیم، نفع بزرگی می‌بریم. یکی از خفت‌نازترین عارت‌ها در طول زندگی‌ام به سنگنوی دولت قبلی مربوط می‌شد درحالی‌که آن همه درباره استکار جهانی و مبارزه با آن صحبت می‌کردند یک‌بار به‌صراحت گفت در برابر سرمایه‌های خارجی فرش قرمز پهن می‌کنیم. کسانی که در اقتصاد سیاسی کار کرده‌اند، می‌دانند این عبارت بسیار موهن و خفت‌بار است و کسانی که حتی این‌کار را می‌کنند، سعی می‌کنند به زبان نیاورند. به نظر، این راهبرد اشتباه است. اگر آن همه ملاحظت و همدلی‌ای که برای صاحبان کار دارید برای سرمایه‌های انسانی کشور خرج کنید، کشور نفع بیشتری خواهد برد و به نظر، از این زاویه در کنار مجموعه چالش‌هایی که بر سر راه توسعه ما وجود دارد، باید اینها را بررسی کنیم. اینکه عده‌ای با هوچی‌گری، درباره مناطق آزاد مدیحه‌سرایی کنند و بعد راه را بر روی بحث‌های کارشناسی در این زمینه ببندند، به نفع کشور نیست.

آغازکردن بحث توسعه بالادستی نفت از قراردادهای IPC انحرافی است

غلامحسین حسنتاش، کارشناس ارشد انرژی

عنوان بحث را توسعه بالادستی قرار داده‌ام به‌دلیل اینکه فکر می‌کنم شروع‌کردن بحث با قراردادهای IPC انحرافی است و به جای اینکه مسئله را درست و ریشه‌ای بررسی کنیم اگر از قرارداد شروع کنیم مسئله آخر را اول گذاشته‌ایم. اهداف موردنظر از عقد یک قرارداد با شرکت خارجی چیست؟ بین دولت صاحب نفت و یک شرکت بین‌المللی با چه هدفی قرارداد بسته می‌شود؟ به نظر، یکی از دلایل، تأمین سرمایه برای تولید میدان است. سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی سنگین است و می‌خواهیم از طریق عقد قرارداد تأمین سرمایه کنیم. دلیل دیگر تأمین تکنولوژی موردنیاز برای توسعه میدان یا برای افزایش بازایافت یا تولید بهینه از میدان است و معمولاً یکی دیگر از اهداف قراردادهای تقسیم ریسک است. میادین نفتی، پدیده ریسک و عدم اطمینان هستند و هیچ متخصص مخزن نفتی نمی‌تواند با اطمینان بگوید برنامه تولید تعیین‌شده حتماً تحقق پیدا خواهد کرد. البته گاهی هم به طور تلویحی هدف چهارمی مطرح می‌شود؛ اینکه منافعی برای خارجی‌ها ایجاد کنیم که آنها به دولت‌هایشان فشار بیاورند و اگر قرار باشد سرمایه‌های دوباره برقرار شود منافع اقتصادی مانع هدف حسی می‌شود که البته دراین‌باره باید ببینیم چرا داریم منافع نسل آینده را در این راه صرف کنیم یا نه؟ این هدف فراتر از صنعت نفت است و همان‌قدر که بنده صلاحیت ورود به آن را ندارم، مقامات وزارت نفت هم ندارند و اگر این هدف را مطرح می‌کنند مثلاً باید برویم در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه بشنیم و بحث کنیم.

حال سؤال این است آیا عقد قرارداد به خودی‌خود هدف است یا وسیله‌ای برای تأمین سرمایه و تکنولوژی دراین‌باره صحبت نمی‌کنند. آیا این احتمال وجود ندارد صحبت‌کردن دراین‌باره به این معنا خواهد بود که قراردادهای خارجی حتماً باید حساب و کتاب‌های جدی‌تری داشته باشد. این افتخاری ملی است که در این مناطق نفت‌خیز جنوب به نمایش درآمده و ما تقریباً

بدون اینکه بهره‌مندی خاصی از طرف‌های خارجی داشته باشیم، توانسته‌ایم حدود یک میلیون بشکه بر تولید نفت بیفزاییم. چرا درباره این تحول افتخارآمیز موافقان و مخالفان دولت صحبت نمی‌کنند؟ جزئیاتی وجود دارد که در ارتباط با یکی از ایرانی و خارجی‌ها به آن توجه شود و این یکی از انتقادهای دائمی ما به طرز اداره حیطه نفت بوده که ملاحظات صیانتی در اولویت نبوده و نیست. اما اصل این مسئله افتخارآمیز است و اگر آن را برجسته کنیم به این معناست که باید حتماً به ظرفیت‌ها و توانایی‌های داخلی توجه شود و براساس تجربه‌های تاریخی‌ای که تا به امروز داشته‌ایم و بخش اعظم امتیازهایی که به طرف خارجی می‌داده‌ایم، ذیل عنوان انتقال فناوری بوده ولی بخش بزرگی از آن تعهدات انجام نشده و مستندات این قضیه درزمینه خودروسازی وجود دارد از طریق حساسیتی که مجلس نشان داده، این هم مسئله مهمی است. درحرحال براساس این احساس مسئولیت فکر

ادامه در صفحه ۱۵

اقتصاد سبز

زنجیره عرضه محصولات کشاورزی و ضرورت تأمین مالی آن



فاطمه باسیان
کارشناس کشاورزی

● زنجیره عرضه در بخش کشاورزی بسیار پیچیده بوده و شامل نهاده‌های تولیدی (کارخانجات تولید نهاده)، کشاورزان، عمده‌فروشان، تجار، شرکت‌های مواد غذایی و خرده‌فروشان است که همگی باید تقاضاهای گوناگون مصرف‌کنندگان (کالاهای واسطه‌ای و نهایی) را به شیوه‌ای پایدار و رضایت بخش پاسخ دهند. پیچیدگی و طولانی‌بودن زنجیره‌های عرضه محصولات کشاورزی، آنها را از دیگر بخش‌های تولید صنعتی و خدمات تمایز می‌دهد. مفهوم زنجیره عرضه می‌تواند با انتقال درست و به‌موقع کالا از سمت کشاورزان به مصرف‌کنندگان (عرضه) و اطلاعات از سمت مصرف‌کنندگان به کشاورزان و تولیدکنندگان (تقاضا) نقش بسیار مهمی در افزایش کارایی تولید و توسعه بازار محصولات کشاورزی داشته باشد. سؤال پیش می‌آید چرا پرداختن به زنجیره عرضه در بخش کشاورزی در ادبیات موضوع و سیاست‌گذاری مهم شده است؟ پاسخ این سؤال ریشه در مشکلات کنونی جهان دارد. به دلیل مشکل کمبود درآمد و فقر و پایداری امنیت غذایی، بسیاری از سیاست‌گذاران، توسعه کشت و صنعت، بهبود مؤثر زنجیره عرضه محصولات بخش کشاورزی را راهبردی در جهت رفع مشکلات موجود می‌دانند. این رویکرد تأثیر مثبتی بر اشتغال در مناطق شهری و روستایی (توسعه مشاغل غیرزراعی و درآمد و فقر و پایداری امنیت به بازار برای خرده‌کشاورزان را مهیا می‌کند و بین کسب‌وکارهای کوچک و متوسط ارتباط برقرار می‌کند. از سوی دیگر، این رویکرد رابطه‌ای پایدار میان بازیگران زنجیره عرضه برقرار کرده و با کاهش ضایعات در مرحله برداشت و پس از برداشت باعث افزایش امنیت کشاورزی –در درجه‌اول زنجیره عرضه کارآمد محصولات کشاورزی می‌تواند نقش کلیدی در کاهش فقر و امنیت غذایی در کشورهای در حال توسعه جهان بازی کند (یونیدو، ۲۰۰۹). از طرف دیگر، در کشورهای در حال توسعه، با دیدگاه سنتی بخش درخور توجهی از بودجه ملی برای حمایت از نهاده‌های کشاورزی –در درجه‌اول بذر، کود و سیستم‌های آبیاری- تخصیص داده می‌شود درحالی‌که به زنجیره عرضه یعنی مسیر رسیدن محصولات به مصرف‌کننده نهایی توجه نشده و حمایت منطقی صورت نمی‌گیرد. این در حالی است که زنجیره عرضه محصولات کشاورزی بتأسیس ذاتی و بالقوه را برای توسعه فرصت‌های شغلی و ایجاد ارزش افزوده دارد. آمار و ارقام نشان از ضعف کشورهای در حال توسعه در ایجاد ارزش افزوده محصولات اولیه کشاورزی خود دارد. در کشورهایی با درآمد بالا در حدود ۱۸۵ دلار آمریکا از هر تن محصولات کشاورزی، از طریق فرآوری ارزش حاصل می‌شود که این رقم برای کشورهای در حال توسعه در حدود ۴۰ دلار است. در کشورهای با درآمد بالا ۹۸ درصد از تولیدات کشاورزی وارد فرایند صنایع فرآوری شده درحالی‌که در کشورهای در حال توسعه نزدیک به ۳۸ درصد وارد این فرایند می‌شوند. این داده‌ها نشان می‌دهد که در کشورهای درحال توسعه زنجیره عرضه محصولات کشاورزی می‌تواند به توسعه بخش کشاورزی کمک کند (یونیدو، ۲۰۰۹). همچنین زنجیره عرضه با فراهم‌سازی غذا با کیفیت و کیفیت مناسب، امنیت غذایی را نیز به همراه دارد. با توجه به همه جهات منافع اقتصادی و اجتماعی زنجیره عرضه از قبیل کارایی و رقابت‌پذیری، برقی ارزش افزوده، ایجاد اشتغال، کاهش هزینه‌های عملیاتی، بهبود عملکرد و بهره‌وری مطالعات گسترده‌ای را در ادبیات موضوع اقتصاد کشاورزی به خود اختصاص داده و دولت‌ها سیاست‌های خود را در زنجیره عرضه برای کمک و حمایت از همه بازیگران و ذی‌نفعان به کار می‌برند. دراین‌میان تأمین مالی زنجیره عرضه یکی از موضوعات مهمی است که برای آن الگوها و روش‌های مختلفی در کشورهای جهان به کار گرفته شده است. دلیل اهمیت این موضوع در آن است که در بسیاری از کشورهای آسیایی و آفریقایی که کشاورزی خرده‌پا بوده و کسب‌وکارهای کوچک کشاورزی وجود دارد، این کشاورزان در حدود ۸۵ تا ۹۵ درصد کل کشاورزان را شامل شده. اما دسترسی به بازار مالی نداشته و از قدرت چانه‌زنی پایینی برخوردارند. به‌همین‌دلیل در زمان تولید و برداشت، محصول خود را به هر قیمتی و بلافاصله و بدون فرآوری به واسطه‌ها می‌فروشند. زنجیره عرضه و تأمین مالی آن کمک می‌کند کشاورزان و کسب‌وکارهای خرد کشاورزی با ارتباط هماهنگ و ساماندهی‌شده با سایر اجزای زنجیره عرضه توانمند شده و در جهت کارایی و امنیت غذایی حرکت کنند. رویکرد دولت‌ها برای دستیابی به این هدف از رویکرد مداخله‌گر به رویکرد سیاست‌گذاری تغییر یافته است. این رویکرد در بخش کشاورزی به سمت تصمیم‌سازی، تدوین برنامه و اجرا با مشارکت بخش خصوصی، سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی و همه ذی‌نفعان بخش کشاورزی سوق داده شده است؛ یعنی همان حکمرانی خوب.